



موسسه آموزش عالی فاران مهندانش

انجمن علمی - دانشجویی مقوق

ره آورد انصاف و عدالت | نشریه انجمن علمی دانشجویی

مقوق موسسه آموزش عالی فاران مهندانش دوره اول |

شماره اول | پاییز ۱۴۰۳





موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش  
Faran Name Daresht-e-Mehrdan Higher Edu. Inst.  
انجمن علمی دانشجویی حقوق



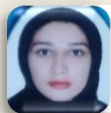
نشریه ره‌آورد انصاف و عدالت  
دوره اول، شماره اول، پاییز ۱۴۰۳

موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش  
انجمن علمی - دانشجویی حقوق

آنچه در این شماره می‌خوانید:



سخن سردبیر ۲

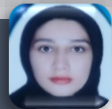


۹ نظام ولایت قهری

قرارداد ارفاقی ۵



تقسیم‌بندی جرائم ۱۳



حقوق بین‌الملل ۱۸



آیین دادرسی مدنی ۲۵



ترمینولوژی حقوق ۳۲



تنظیم کننده پادکست: راحله سادات  
صفحه آرا و طراح گرافیک: فاطمه ابراهیمی و  
سید علیرضا نصیری  
گروه مترجمان  
به انگلیسی: شقایق هنرمند  
به فرانسوی: هادی گودرز ناصری

اعضا هیئت تحریریه و نویسندگان:

سردبیر: سید امیرمحمد حسینی  
معاونت سردبیر: عاطفه شیخی  
ریس هیئت تحریریه: گلچین حاج اسفندیاری  
ویراستار نگارشی: مهدی رستمی

ایمیل: [faran.law.association@gmail.com](mailto:faran.law.association@gmail.com)

کانال تلگرام: <https://t.me/httpsfaranlawassociation>



سید امیرمحمد مسینی / دانشجوی کارشناسی مقوق



## والقلم وما یسطرون

سوگند به قلم و آنچه می نویسند (سوره قلم آیه ۱)

### برای ایران...

اندیشیدن و آگاهی را می توان همچون مشعل فروزان برای گذار از شب قهر ستاره، عبور از تاریکی و دستیابی به سپیده، راهگشا و رهاننده دانست.

این چراغ پرفروغ هنگامی که راهنمای حقوق انسان ها و در پی آن حافظ و نمایانگر حرمت و کرامت انسان شود، دارای ارزش و رجحانی به مراتب شایسته و والاتر خواهد شد. حق واژه ای ست دارای معانی متعدد که در ظاهر شاید به واسطه تکرار پر مکرر آن در میان افراد جامعه، یحتمل برای شنوندگان و مخاطبان آن آشنا بوده و غریبه نیست؛ اما آن معنای بلند قدری که برای هر شخصی محترم بوده و وجود دارد و توسط مقنن و با وضع قوانین موضوعه نیز تصریح شده است، به تأسی از ذات و ماهیت گسترده و وسیع آن همچنان برای غالب مردم مجبور نگشته و بایستی زمینه ای جهت تسهیل فراگیری افراد جامعه برای قرابت و وقوف هر چه بیشتر با حقوق خود مقدور و میسر شود.

اگر تأمل و توجه نسبت به حق انسان از غافله اندیشه آحاد مردم در جامعه جا بماند، شاهد حلقه گمشده از انصاف و عدالت در سراسر جامعه خواهیم بود. انصاف و عدالت را می توان همان اصول اخلاقی و انسانی برشمرد که به عنوان پدیدآورنده و شالوده سایر آرمان های ارزشمند انسانی نقش آفرینی می نمایند.

مایه سرافرازی، مباحثات و مسرت می باشد که به عنوان حقوق خوان و بخش کوچکی از جامعه بزرگ و شریف حقوقی به پا خواسته و قلم بر دست گرفته تا سهمی خرد؛ اما عمیق در راستای افزایش بینش و دانش حقوقی مطالعه کنندگان و مستمعین بزرگوار برداریم.

مع الوصف در پایان می توان هدف اصلی و غایی از نگارش این فصلنامه را که شاید بتوان از آن به عنوان یک دستاورد، خصیصه و شاخصه ای ممتاز و مهم نام برد؛ بدون تردید کمک به رونق ادراک و بصیرت نسبت به ابعاد مختلف حقوق مخاطبین و نهایتاً سرآغاز خجسته و فرخنده فصلی نو که همان «ره آورد انصاف و عدالت» می باشد، برشماریم:

اخوان که ز ره آیند آرند ره آوردی      این قطعه ره آورد است از بهر دل اخوان

خاقانی





## آنچه در این فصلنامه بیان می‌گردد:



در نخستین فصلنامه نشریه «ره‌آورد انصاف و عدالت» اهتمام بر آن ورزیده شده که در موضوعات مختلف و کاربردی حقوقی بدو مطالبی تقدیم مخاطبین بنماییم. در حسن ختام فصلنامه، ترمینولوژی حقوقی را بر اساس موارد مطروحه در جهت آشنایی هرچه بیشتر با اصطلاحات و واژگان حقوقی به رشته تحریر درآوردیم. در موارد تخصصی این فصلنامه ابتدا به معرفی مباحثی از حقوق تجارت و مدنی که هر دو در زمره حقوق خصوصی قرار می‌گیرند پرداخته است. در حقوق تجارت با عنایت به اهمیت مسئله ورشکستگی که نیازمند بررسی می‌باشد، راجع به قرارداد ارفاقی که در ورشکستگی به کار گرفته می‌شود، صحبت شده است. در ادامه در حقوق مدنی نسبت به نظام ولایت قهری درباره حقوق محجورین مواردی اشعار داشته شده است که علت انتخاب این امر، تفاوت‌های اساسی میان محجورین و سایر افراد جامعه در احیا و پاسداری از حقوق این افراد می‌باشد. در ادامه مسیر، در حقوق عمومی با امعان نظر به استعمال و استقبال از حقوق جنایی به طور ویژه به بررسی تقسیم‌بندی جرائم از ابعاد متفاوت، مواردی نگاشته شده و انشعابات متعددی از انواع جرائم ارائه شده است. در مرحله بعد در ارتباط با حقوق بین‌الملل که امروزه باز هم احتیاج به آن پررنگ و محرز شده است، وضعیت‌های گوناگون در اجرای مؤثر این حقوق شرح داده شده است. در انتهای موضوعات برخلاف موارد بالا که تماماً قوانین ماهوی بودند به یک قانون شکلی تحت عنوان آیین دادرسی مدنی در خصوص ویژگی‌های این قانون گفتاری تنظیم و نوشته شده است. قطعاً اولین گام در هر مسیری سخت‌ترین و دشوارترین می‌باشد، ما نیز اولین قدم را با تمام مشکلات برداشته و امیدوار و دلگرم هستیم که برایتان مفید واقع گردد. تقاضا داریم که در صورت تمایل ما را از نظرات ارزشمند و سازنده خود از طریق راه‌های ارتباطی مذکور، بهره‌مند ساخته و یاری نمایید.

ور در صفت خویش روی بسته شوی

گر صید عدم شوی ز خود رسته شوی

با خود منشین که هر زمان خسته شوی

می‌دان که وجود تو حجاب ره توست

(ابوسعید ابوالخیر)





گلچین ماه اسفندیاری / دانشجوی کارشناسی حقوق



## قرارداد ارفاقی

### چکیده:

یکی از مواردی که در حقوق تجارت از جمله مباحث پراهمیتی است که بدان توجه شده است، قرارداد ارفاقی می باشد که در این جا باتکیه بر کتاب حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تألیف استاد بزرگوار ربیعا اسکینی به شاخصه های آن پرداخته می شود. در ابتدا ایشان به تعریف قرارداد ارفاقی پرداخته و در ادامه آن را در چهار بخش مورد بررسی قرار داده اند. این بخش ها عبارتند از: دعوت از طلبکاران، شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی، آثار قرارداد ارفاقی، محو قرارداد ارفاقی که به ترتیب به خلاصه ای از موارد اشاره شده می پردازیم و برای اطلاع بیشتر در

**ارفاق در لغت:** ارفاق در لغت به معنی مدارا کردن با دیگران یا ملایمت کردن با دیگری است. معنی قرارداد ارفاقی در بیان حقوقی نیز با این معنی لغوی ارتباط دارد.

**تعریف اصطلاحی:** رسیدگی به مطالبات قبل از فروش دارایی ورشکسته. طلبکاران می توانند با ورشکسته قرار بگذارند که از ادامه تصفیه صرف نظر می کنند؛ با این شرط که با تخفیفی که برایش قائل می شوند، در مدت های مشخص شده میان طرفین، طلب های آن ها را پرداخت کند. در این قرار که (قرارداد ارفاقی) نام دارد، طلبکاران قبول می کنند از مقداری از طلب خود بگذرند و می پذیرند که طلب آن ها جزئاً یا کلاً در زمانی معین و معمولاً به صورت اقساط پرداخت شود.

**دعوت از طلبکاران:** قبل از صدور حکم ورشکستگی، طلبکاران می توانند با ورشکسته قراردادی را منعقد کرده و او را از پرداخت قسمتی از دیونش معاف کنند یا اینکه مهلت جدیدی را به او دهند. گاهی قرارداد، قرارداد اکثریتی خوانده می شود؛ یعنی اکثریت طلبکاران ورشکسته، از نظر تعداد و میزان طلب، نسبت به آن نظر موافق باشند، لازم الاجرا است. بر اساس ماده ۳۸ قانون امور تصفیه: پس از رسیدگی به مطالبات، بستنکارانی که یک قسمت یا تمام طلب آن ها مورد قبول واقع شده، به وسیله اخطاریه در جلسه دعوت می شوند و اگر درخواست قرارداد ارفاقی هم شده باشد، مراتب ضمن دعوت نامه قید می شود.

### شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی:

قرارداد ارفاقی به شرایطی بستگی دارد از جمله:

**۱. درخواست قرارداد ارفاقی:** همان طور که در ماده ۳۸ قانون امور تصفیه بیان شد، اگر تقاضا از طرف طلبکاران مطرح شده باشد، قابل قبول است و اگر درخواست قرارداد ارفاقی شده باشد، اداره مزبور باید مراتب را به اطلاع طلبکاران برساند. ماده ۵۰۶ قانون تجارت در این رابطه چند نکته مهم را مورد توجه قرار داده است از جمله اینکه هرگاه قرارداد ارفاقی با شرکت منعقد شده باشد، مقررات عام راجع به قرارداد ارفاقی در مورد شرکت مانند تاجر حقیقی قابل اعمال است.

**۲. شرکت در جلسه رأی گیری:** که شخص ورشکسته باید در جلسه حاضر باشد. در ماده ۴۷۷ قانون تجارت ذکر شده و قانونگذار مقرر کرده است که ورشکسته حتماً باید شخصاً حاضر شود مگر به دلیلی که عذر موجهی داشته باشد از جمله بیماری که وکیل می تواند به جلسه اعزام کند.

**۳. قبول اکثریت طلبکاران:** ماده ۴۸۰ قانون تجارت اکثریت را معین کرده است که نصف به علاوه یک نفر از طلبکاران با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که بر اساس فصل ششم تشخیص داده شرکت داده باشد.

#### **۴. عدم محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب یا**

**تقصیر:** در مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ قانون تجارت، مواردی که ورشکسته به ورشکستگی جزایی محکوم شده باشد، پیش بینی شده است و برحسب اینکه تاجری ورشکسته به تقلب باشد یا ورشکسته به تقصیر، حق او به استفاده از قرارداد ارفاقی محدود شده است.

#### **۵. تصدیق قرارداد ارفاقی به وسیله دادگاه:**

اساس ماده ۴۸۶ قانون تجارت، هر یک از طرفین قرارداد می توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا کنند و بر اساس ماده ۴۸۷ قانون تجارت، قبل از آنکه دادگاه در مورد تصدیق قرارداد ارفاقی رأی دهد، عضو ناظر گزارشی بر اساس کیفیت ورشکستگی به

دادگاه تقدیم خواهد کرد و دادگاه پس از ملاحظه این گزارش، رأی خواهد داد و

بر اساس موارد مندرج در ماده ۵۴۰ قانون تجارت، تصمیم دادگاه که در رابطه با تصدیق یا امتناع از تصدیق محسوب نمی شود، قابل تجدیدنظرخواهی است.

#### **آثار قرارداد ارفاقی:**

اثر قرارداد ارفاقی، نسبت به طلبکاران و ورشکسته و اشخاص ثالث تقسیم می شود:

#### **۱. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران که به دو بخش تقسیم می شود:**

الف: طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا کرده اند:





بر اساس ماده ۴۸۹ قانون تجارت، همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد، نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضا نموده‌اند، قطعی خواهد بود. بر اساس این ماده، اشخاص مذکور حق ندارند از تصمیم خود عدول کنند.

**ب: طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده‌اند:**

بر اساس ماده ۴۸۹ قانون تجارت، طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده‌اند و سهمی به نسبت دارایی مدیون می‌برند، حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضا نموده‌اند.

**۲. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به ورشکسته:** اجرای قرارداد ارفاقی از تاریخی آغاز می‌شود که اموال بدهکار ورشکسته به او مسترد می‌گردد و بدهکار باید مطابق آن به تعهدات خود عمل کند. در مدت اجرای قرارداد، طلبکاران حق اقامه دعوی انفرادی علیه ورشکسته را ندارند و عملیات اجرایی علیه او قابل تعقیب نیست.

**۳. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به اشخاص ثالث:** منظور از اشخاص ثالث، ضامن‌های ورشکسته یا کسانی هستند که با او مسئولیت تضامنی دارند. قانون‌گذار در رابطه با این افراد، مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی نکرده است. طلبکاری که علاوه بر ورشکسته، بدهکار دیگری دارد، می‌تواند به او مراجعه کند؛ بدهکار اخیر نمی‌تواند از امتیاز توقف دعوی و توقیف عملیات اجرایی علیه بدهکار ورشکسته استفاده کند.

## **محو قرارداد ارفاقی:**

اگر قرارداد ارفاقی طبق شرایط آن اجرا شود، ختم ورشکستگی از زمانی خواهد بود که دادگاه قرار را تصدیق کند.

**۱. ابطال قرارداد ارفاقی:** بر اساس ماده ۴۹۲ قانون تجارت، موارد ابطال قرارداد ارفاقی عبارتند از: در موردی که محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب و در مورد ماده ۴۹۰ در صورتی که کشف شود در میزان دارایی یا مقدار قروض حيله‌ای به کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.

**۲. فسخ قرارداد ارفاقی:** فسخ قرارداد ارفاقی در صورتی ممکن است که ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکند. منظور از شرایط قرارداد، تعهداتی است که به موجب قرارداد ارفاقی یا طبق قانون بر عهده ورشکسته قرار گرفته است. عدم اجرای تعهدات از طرف تاجر لزوماً به فسخ قرارداد ارفاقی منتهی نمی‌شود. دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به فسخ قرارداد ارفاقی دادگاهی است که قرارداد ارفاقی را تصدیق کرده است. تقاضای فسخ را طلبکاری می‌تواند مطرح کند که در اجرای آن ذی‌نفع باشد یعنی طلبکاری که آن را امضا کرده است خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد.

**۳. آثار محو قرارداد ارفاقی:** هرگاه دادگاه قرارداد ارفاقی را باطل اعلام کند، ضمانت ضامن یا ضامن‌ها به خودی خود ملغی می‌شود. هرگاه دادگاه حکم فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی را صادر کند و به‌گونه‌ای عمل کند که گویی حکم ورشکستگی مدیون ورشکسته را صادر کرده است. هرگاه ورشکسته پس از تصدیق قرارداد ارفاقی، معاملاتی انجام داده باشد، این معاملات صحیح تلقی می‌شود به این دلیل که پس از تصدیق قرارداد ارفاقی، مدیون کلیه حقوق خود را نسبت به اموال خودش به دست می‌آورد و می‌تواند هرگونه معامله‌ای را انجام دهد.



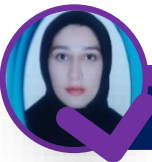


### نتیجه:

قرارداد ارفاقی، قراردادی است که بین اکثریت طلبکاران از یک طرف و تاجر ورشکسته از طرف دیگر منعقد می‌شود. در این قرارداد، طلبکاران به تاجر ورشکسته فرصت می‌دهند تا به فعالیت تجاری خود ادامه دهد و در برخی مواقع ممکن است از بخشی از مطالبات خود نیز صرف‌نظر کنند و در مقابل تاجر هم تعهداتی را به عهده می‌گیرد. با بسته‌شدن قرارداد ارفاقی، آثار حکم ورشکستگی متوقف می‌شود و تاجر مجدداً حق اداره اموال و ادامه تجارت خود را به دست می‌آورد و می‌تواند شخصاً به فعالیت تجاری خود ادامه دهد. در این صورت مدیر تصفیه (اداره تصفیه) باید اموال، مدارک و دفاتر تاجر را به او تحویل بدهد.

### منبع:

حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته / نویسنده: دکتر ربیعا اسکینی / ویراست ۲ / مشخصات نشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی: سمت / چاپ: ۲۸ تابستان ۱۴۰۱ / نگارشگر: گلچین حاج اسفندیاری



عاطفه شیفی / دانشجوی کارشناسی مقوق



### چکیده

ولایت در لغت یعنی فرمانروایی، نصرت و در مفهوم عام، یعنی کسی که سلطه بر جان و مال دیگری پیدا می‌کند. در اصطلاح حقوق مدنی، یعنی قدرت و اختیار و این قدرت و سلطه توسط قانون به شخصی داده می‌شود تا امور شخص دیگری را انجام دهد. کسی که این امور را انجام می‌دهد، ولی نامیده می‌شود. ولایت قهری در قانون ما، ویژه پدر و جد پدری است و هدف از ارائه این مطلب، بررسی ولایت قهری پدر و جد پدری در ایران است.

### بند اول: مفهوم ولایت قهری

ولایت در لغت به معنی دوستی و نصرت و فرمانروایی است و در اصطلاح حقوق مدنی، قدرت و اختیاری است که به موجب قانون به یک شخص واجد اهلیت به منظور اداره اموال و مواظبت از شخص محجور، یا فقط اداره اموال او (در مورد غیررشید) داده می‌شود. ولایت قهری در قانون ما ویژه پدر و جد پدری است و از این رو آن را قهری گویند که اجباری است و به حکم مستقیم قانون و بدون نیاز به حکم دادگاه یا دخالت شخص دیگری حاصل می‌شود.

مطابق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی: طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است غیر رشید یا مجنون، در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.  
بنابراین، پدر و جد پدری نسبت به اشخاص ذیل ولایت دارند:  
۱. صغیر، یعنی کسی که به سن بلوغ نرسیده است.

۲. غیررشد، در صورتی که قبل از رسیدن به سن کبر، حالت سفه به او عارض شده و ادامه داشته باشد.

۳. مجنون، در صورتی که قبل از رسیدن به سن کبر، مبتلا به جنون شده و این حالت ادامه داشته باشد.

پدر و جد پدری، هر دو سمت ولایت قهری دارند و در عرض هم هستند و طبق قانون مدنی، هیچ یک را بر دیگری اولویت و تقدم نیست و هر دو باید در اداره امور و حفظ حقوق و منافع محجور، با رعایت مصلحت او بکوشند؛ ولی اگر یکی از آنها محجور یا به علتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد، ولایت قانونی او ساقط می شود (ماده ۱۱۸۲ قانون مدنی)؛ بنابراین اگر پدر یا جد پدری فرزند دیوانه شود، ولایت او ساقط می گردد و ولایت دیگری همچنان باقی خواهد ماند.

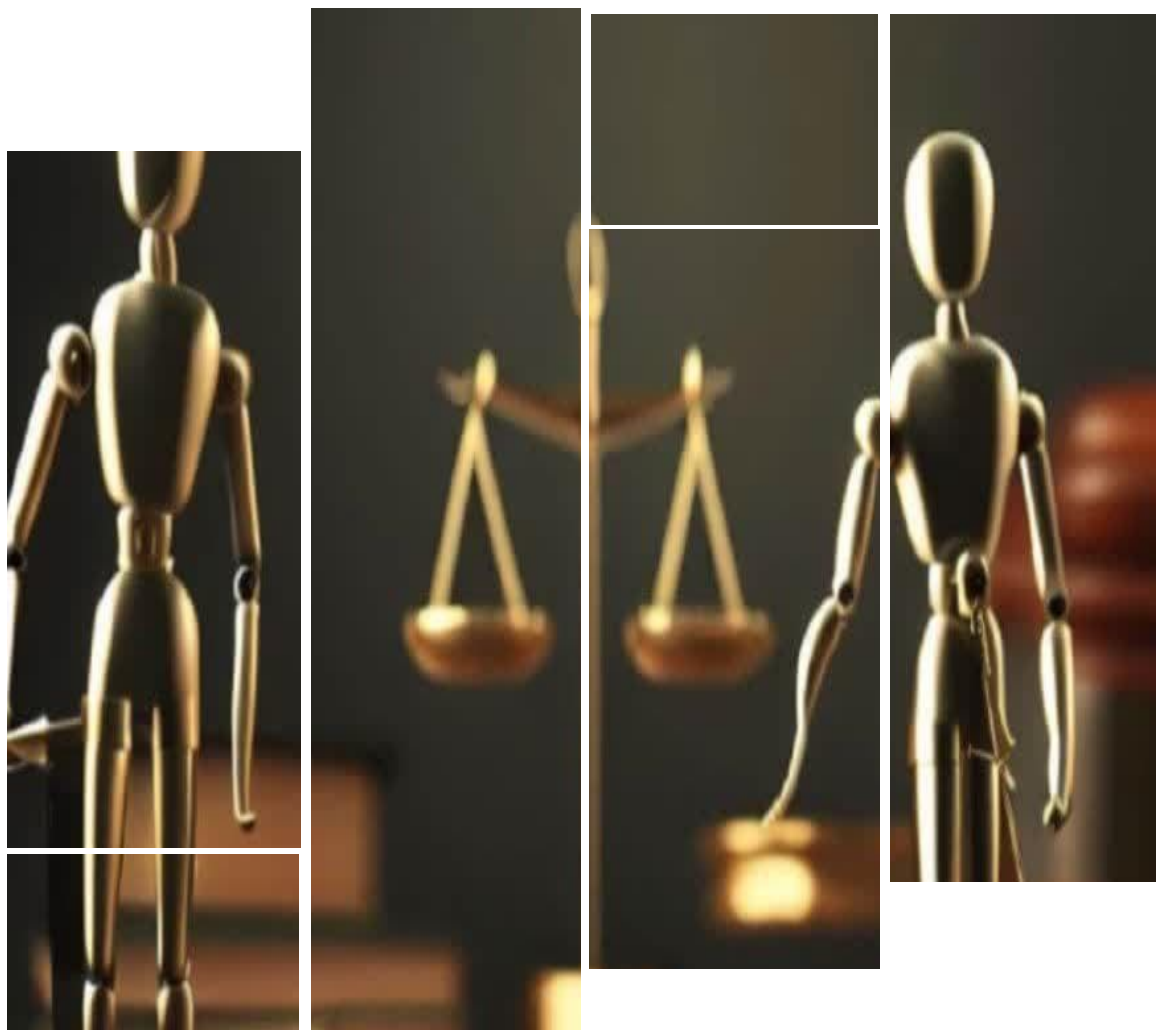
### **بند دوم: وظایف و اختیارات ولی قهری**

ولی قهری، نماینده قانونی مولی علیه خود است و مکلف است در اداره اموال و مواظبت شخص محجور و حفظ حقوق و منافع او بکوشد. اگر محجور غیررشد باشد حجر او چنان که گفتیم محدود به امور مالی است و ولی قهری او وظیفه ای جز اداره اموال ندارد. ولی قهری، می تواند تصرفاتی در اموال محجور بنماید و معاملاتی برای او انجام دهد، مشروط بر اینکه موافق مصلحت محجور باشد. به طور کلی ولی قهری در اعمال خود مکلف به رعایت غبطه و مصلحت محجور است و اختیار ندارد عملی انجام دهد که برخلاف مصلحت یا متضمن ضرری برای محجور باشد. هر یک از پدر و جد پدری می تواند به تنهایی برای محجور قراردادهایی منعقد کند، مثلاً مال او را بفروشد، یا اجاره دهد، یا مالی برای او خریداری کند و در صورتی که مصلحت محجور رعایت شده باشد، دیگری حق اعتراض و برهم زدن معامله را نخواهد داشت. به طور کلی در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه، ولی نماینده قانونی او می باشد. (ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی)

### **بند سوم: بی لیاقتی یا عدم امانت ولی قهری**

هرگاه ولی قهری توانایی و لیاقت اداره امور مولی علیه خود را نداشته باشد، یا برخلاف امانت رفتار کند، چنان که در اموال او مرتکب حیف و میل گردد، تکلیف چیست؟ یک راه حل که قانون برای این گونه موارد پیش بینی کرده، ضم امین است. منظور این است که دادگاه یک نفر امین (شخص مورد اعتماد) را به وی منضم می کند و بدین ترتیب اختیارات و آزادی او را محدود می نماید. (ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۷۹) در این صورت، ولی نمی تواند به تنهایی و بدون موافقت امین معاملاتی برای محجور انجام دهد. با اینکه در فقه اسلامی اختیار عزل ولی قهری، هرگاه مصلحت محجور آن را اقتضا کند، به قاضی داده شده است، قانون مدنی تا سال ۱۳۷۹ به آن تصریح نکرده بود و گروهی از حقوق دانان و دادگاه ها بر آن بودند که قانون، عزل ولی قهری را نپذیرفته است و در توجیه آن می گفتند: علت این احتیاط فوق العاده، رعایت حال خانواده و توجه به احساسات و سن اجتماعی است. خانواده ایرانی از قرن ها پیش خانواده پدرسالاری بوده است. پدر و جد پدری، رئیس و بزرگ خانواده محسوب می شود و عزل آنان و کوتاه کردن دستشان از امور فرزندان خود در عرف، امری خطیر و شاید غیرقابل تحمل است. با وجود این، در فقه امامیه که در موارد سکوت قانون باید به آن رجوع کرد و ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده، عزل ولی قهری پیش بینی شده بود. از این رو قانون گذار در سال ۱۳۷۹ ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی را اصلاح و عزل ولی قهری را، در صورت عدم رعایت غبطه (مصلحت) محجور و ارتکاب عملی که موجب ضرر او گردد، به صراحت پذیرفت.





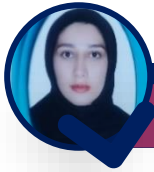
## نتیجه‌گیری

برای سرپرستی و نگهداری از فردی که به علت سن کم، ضعیف بودن و یا اختلال قوای روحی نمی‌تواند امور خود را شخصاً اداره کند و در عرصه زندگی نیازمند کمک دیگران است، قانون‌گذار به حمایت آن‌ها شتافته و شخص یا اشخاصی را برای اداره امور آن‌ها در نظر گرفته است. این مواظبت، هم مشمول اموال و هم مشمول خود شخص می‌باشد و در ضمن، فردی که سرپرستی را به عهده می‌گیرد، باید دارای اهلیت کامل باشد. در قانون ایران، این سرپرستی اول به پدر و جد پدری و در صورت نبود یا ضعف، به فرد دیگری که توسط دادستان مشخص می‌شود واگذار می‌شود.

## منبع:

کتاب حقوق مدنی اشخاص و اموال / نویسنده: دکتر سید حسین صفایی / ناشر: نشر میزان / نگارشگر: عاطفه شیخی





عاطفه شیخی / دانشجوی کارشناسی مقوق



## تقسیم بندی جرائم

### چکیده

دکتر گلدوزیان در فصل پنجم از مبحث جرم در کتاب بایسته‌های حقوق جزا به تقسیم‌بندی جرائم از لحاظ عناصر تشکیل دهنده می‌پردازد. در مبحث اول، این تقسیم‌بندی جرائم بر اساس شدت و ضعف اثرات قانونی انجام شده و طی آن مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ قانون مجازات اسلامی شرح داده شده است. در مبحث دوم، تقسیم‌بندی از حیث طبیعت جرم صورت گرفته که شامل جرائم سیاسی و جرائم نظامی است و برای شناخت بهتر مراتب این جرائم از این نوع تقسیم‌بندی استفاده می‌شود. مبحث سوم این فصل، به تقسیم‌بندی جرائم از حیث عنصر مادی جرم پرداخته است. این تقسیم‌بندی بر مبنای زمان ارتکاب جرم، نتیجه اجرای مادی جرم و همچنین کیفیت احراز وقوع مادی جرم صورت گرفته است. در مبحث چهارم، به اعتبار عنصر معنوی، جرائم به جرائم عمدی و غیرعمد تقسیم شده به طوری که با شناخت این تقسیم‌بندی می‌توان مجازات مشخص شده به موجب قانون مجازات اسلامی را برای مجرم تعیین کرد.

### مبحث اول: تقسیم بندی جرائم از لحاظ شدت و ضعف مجازات قانونی

در اجرای مواد ۱۲ به بعد قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) جرائم از لحاظ شدت و ضعف مجازات آن‌ها به شرح زیر قابل تقسیم هستند:

**جرائم مستلزم حد و قصاص:** (موضوع مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مجازات اسلامی)

**جرائم مستوجب دیه:** (موضوع ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی)

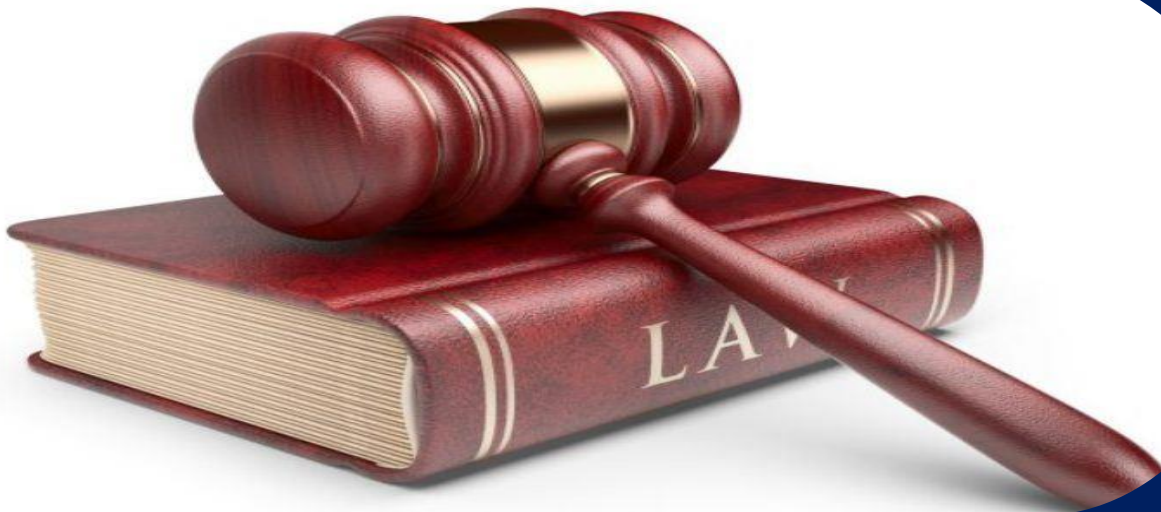
**جرائم مستوجب تعزیر:** (که به تعزیرات حکومتی نیز تعمیم یافته است و موضوع

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی است)

در ق.م.ع سابق، جرائم را از حیث شدت و ضعف مجازات به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌کردند. این تقسیم‌بندی‌ها، از نظر صلاحیت مراجع قضایی برای رسیدگی به جرائم مختلف حائز اهمیت بوده که در حال حاضر اهمیت خود را ازدست داده است.







## مبحث دوم: تقسیم‌بندی جرائم از حیث طبیعت جرم

جرائم بر حسب طبیعت جرم به جرائم حقوق عمومی و جرائم سیاسی و جرائم نظامی تقسیم است:

**۱. جرائم عمومی:** جرائمی هستند که ضمن ایراد صدمه به تمامیت جسمانی، معنوی و منافع خصوصی اشخاص، اذهان عمومی را مشوش می‌سازند؛ مانند قتل و تخریب. انگیزه و داعی مرتکب، اغلب ناشی از غرایزی چون حرص و طمع و سودجویی و کینه‌توزی است.

**۲. جرائم نظامی:** این قبیل جرائم مربوط به نظامیان است و شامل دو قسمت هستند:

الف. جرائم ماهیتاً نظامی: تکالیف قانونی وجود دارند که مخصوص نظامیان است و عدم انجام آن تکالیف، جرم به شمار می‌رود؛ مانند فرار از میدان جنگ و ترک محل خدمت و تمرد از امر فرمانده که مخصوص نظامیان است.

ب. جرائم عمومی نظامیان: که در حین انجام وظیفه یا به سبب آن مرتکب می‌شوند.

**۳. جرائم سیاسی:** برای تعریف جرم سیاسی، در حقوق جزا چند نظریه وجود دارد:

الف. مفهوم موضوعی جرم سیاسی: هر رفتاری که مستقیماً بر منافع یا امتیازاتی ماهیتاً سیاسی یا به موجب موجودیت یا تشکیلات سیاسی کشور لطمه وارد سازد، جرم سیاسی است؛ مانند جرائم علیه امنیت داخلی کشور (قیام مسلحانه علیه کشور) یا جرائم انتخاباتی که موجب محروم کردن نمایندگان واقعی مردم از انتخاب شدن به نمایندگی مجلس که واجد اقتدارات سیاسی هستند.

ب. مفهوم فردی جرم سیاسی: هر عملی که با انگیزه ضدیت با موجودیت کشور یا تشکیلات سیاسی انجام شود جرم سیاسی است. ضابطه تشخیص، انگیزه و محرک مجرم در ارتکاب عمل است که مفهوم جرم سیاسی را به موضوع غیرسیاسی ولی همراه با انگیزه سیاسی نیز تعمیم می‌دهد.

ج. جرم مرکب: عملی است که با هدف مقابله با حکومت و تشکیلات سیاسی با ماهیت جرم عادی انجام شود؛ مانند سوءقصد به جان رهبر یا رئیس جمهور، موضوع ماده ۵۱۵ ق.م.ا (تعزیرات)

د. جرم مرتبط: عملی است که ماهیتاً جرم عمومی است، ولی به جرم سیاسی نیز مرتبط و وابسته است؛ مانند سرقت اسلحه‌ای برای به‌کاربردن در شورش داخلی.

### ۳. تقسیم‌بندی از لحاظ کیفیت احراز وقوع مادی جرم

از جهت نحوه احراز وقوع مادی جرم، جرائم به مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌شوند:

الف) جرم مشهود: جرمی است که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری اتفاق افتاده یا حسب ادله و قرائن موجود دلایل قوی بر ارتکاب آن وجود داشته باشد.

ب) جرم غیرمشهود: جرمی است که مدتی از ارتکاب آن گذشته باشد و به‌دست آوردن دلایل آن مسلم نباشد.

### مبحث چهارم: تقسیم‌بندی جرائم به اعتبار عنصر معنوی یا روانی یا اخلاقی

به اعتبار عنصر معنوی، جرائم به جرائم عمدی و جرائم غیرعمدی تقسیم می‌شوند:

۱- جرائم عمدی: جرائمی هستند که عنصر معنوی آن‌ها سوءنیت یا قصد مجرمانه است؛ مانند قتل عمدی، سرقت، کلاهبرداری و خیانت‌درامانت.

۲- جرائم غیرعمدی: جرائمی هستند که عنصر معنوی آن‌ها تقصیر یا خطای جزایی است. مصادیق خطای جزایی عبارتند از: بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، سایر مصادیق از قبیل عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی نیز حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی هستند. یادآوری می‌شود که بعضی از جرائم مانند صدور چک پرداخت‌نشده و یا عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی مثل پارک اتومبیل در محل ایستادن ممنوع یا توقف ممنوع و یا عبور از چراغ قرمز نیازی به احراز سوءنیت و یا قصد مجرمانه و همچنین خطای جزایی مرتکب ندارد. در واقع با وجود قانون برای جرم شناختن امری و صرف احراز عنصر مادی جرم، جرائم مزبور محقق می‌شوند و نیازی به اثبات قصد مجرمانه یا حسن نیت مرتکب نیست.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله با انواع تقسیم‌بندی جرائم آشنا شدید. جرائم، اعمالی علیه انسان یا علیه جامعه هستند که توسط قانون ممنوع شده‌اند. با کمک تقسیم‌بندی جرائم، زمانی که یک فرد مرتکب جرمی بشود، به‌موجب قانون مربوطه، به مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی: حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.

ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی: قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.

ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی: دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد به‌موجب قانون مقرر می‌شود.

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به‌موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به



تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف. انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب. شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن

پ. اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت. سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر کس به جان رهبر و هریک از رؤسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه ماه تا ده سال محکوم خواهد شد.

ازبین بردن گویایی به طور کامل و بدون قطع زبان، دبه کامل و ازبین بردن قدرت ادای برخی از حروف به همان نسبت دبه دارد. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی: ازبین بردن گویایی به طور کامل و بدون قطع زبان، دبه کامل و ازبین بردن قدرت ادای برخی از حروف به همان نسبت دبه دارد.

### منبع:

کتاب: بایسته های حقوق جزای عمومی / نویسنده: دکتر ایرج گلدوزیان / ناشر: میزان / نگارشگر: عاطفه شیخی







مهدی رستمی / دانشموی کارشناسی حقوق



## حقوق بین الملل

### چکیده

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی در بخشی از کتاب حقوق بین الملل عمومی به بررسی عوامل مؤثر بر اجرای حقوق بین الملل پرداخته است. با توجه به نبود یک قوه اجرایی متمرکز در سطح بین المللی، ضمانت اجرای حقوق بین الملل به اندازه حقوق داخلی قوی نیست. باین حال، مکانیزم‌های مختلفی برای تضمین اجرای این حقوق وجود دارد.

### عوامل مؤثر در اجرای حقوق بین الملل

#### مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اجرای حقوق بین الملل عبارتند از:

شناسایی حقوق بین الملل در سطح داخلی: بسیاری از کشورها حقوق بین الملل را در قوانین اساسی و قوانین داخلی خود پذیرفته‌اند و حتی در برخی موارد بر قوانین داخلی مقدم دانسته‌اند.

ضمانت اجراهای حقوقی: شامل ضمانت‌های کیفری، مدنی، اقتصادی، دیپلماتیک و اقدامات متقابل است. به عنوان مثال، محکومیت جنایت کاران بین المللی در دیوان کیفری بین المللی یا تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهایی که حقوق بین الملل را نقض می‌کنند از جمله این ضمانت‌ها هستند.

ضمانت اجراهای غیرحقوقی: شامل عوامل اخلاقی، سیاسی، افکار عمومی جهانی، منافع مشترک کشورها و فشار جامعه بین المللی است. افکار عمومی جهانی و رسانه‌ها نقش مهمی در افشای نقض حقوق بین الملل و ایجاد فشار بر دولت‌ها دارند. ضمانت اجرا در نظام ملل متحد: شامل تدابیر انضباطی، توصیه‌ای، تقبیحی و الزام‌آور است. شورای امنیت به عنوان مهم‌ترین نهاد برای حفظ صلح و امنیت بین المللی، اختیار اتخاذ تصمیمات الزام‌آور علیه کشورهایی که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی هستند را دارد. در مجموع، اجرای حقوق بین الملل به عوامل متعددی بستگی دارد.

و یک فرایند پیچیده است. وجود مکانیزم‌های مختلف ضمانت اجرا، همراه با

همکاری بین المللی و فشار افکار عمومی، می‌تواند به تقویت اجرای حقوق

بین الملل کمک کند. باین حال، چالش‌هایی همچون عدم وجود یک قوه

اجرایی قدرتمند در سطح بین المللی و تعارض منافع ملی کشورها،

همچنان اجرای کامل و مؤثر حقوق بین الملل را با مشکل مواجه می‌سازد.





### **عوامل مؤثر در اجرای حقوق بین الملل**

در نظام بین المللی به دلیل فقدان قوه اجرایی بین المللی از یک سو و کمبود قواعد حقوقی بین المللی از سوی دیگر نمی توان انتظار داشت که ضمانت اجرا در حقوق بین الملل، همچون ضمانت اجرا در حقوق داخلی سازمان یافته و به مرحله کمال رسیده باشد. با وجود این، در مجموع نمی توان حقوق بین الملل را بدون ضمانت اجرا دانست؛ اما همین ضمانت اجرا، زمانی قابل اعمال است که مسئولیت بین المللی کشور ناقض تعهدات بین المللی محرز و مسلم شده باشد. امروزه، عوامل متعدد و مؤثری اعم از حقوقی، سیاسی، اخلاقی یا معنوی وجود دارند که تا حدود زیاد و قابل ملاحظه ای ضامن اجرای حقوق بین الملل هستند.

### **شناسایی حقوق بین الملل توسط کشورها**

امروزه در بسیاری از قوانین داخلی کشورها به ویژه در قوانین اساسی آنها، حقوق بین الملل مورد شناسایی قرار گرفته و حتی در مواردی نیز برتر از حقوق داخلی قلمداد شده است. از سوی دیگر اجرای مستقیم حقوق بین الملل توسط مراجع اجرایی و قضایی داخلی بسیاری از کشورها مؤید پذیرش و شناسایی حقوق بین الملل در حقوق داخلی آنهاست. به علاوه، کشورها در مذاکرات دیپلماتیک با یکدیگر و نیز از طریق مشارکت و عضویت در کنفرانس ها، مجامع و سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد و سازمان های تخصصی وابسته به آن، حقوق بین الملل را به شیوه های گوناگون مورد شناسایی قرار می دهند.

### **ضمانت اجراهای حقوقی در حقوق بین الملل**

مقصود از ضمانت اجراهای حقوقی در حقوق بین الملل، ضمانت اجراهایی هستند که جنبه حقوقی دارند و طبق حقوق بین الملل مجاز هستند. این نوع ضمانت اجراها عبارتند از: ضمانت اجرای کیفری: در حقوق بین الملل، ضمانت اجرای کیفری در مقابل نقض قواعد خاص و مشخص که عنوان «جنایت یا جنایت بین المللی» دارند تعیین می گردد. مراجع تعیین



ضمانت اجرای کیفری، در مواردی کشورها (در اعمال صلاحیت جهانی) و در مواردی دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی «اختصاصی یا موقتی» هستند.

**ضمانت اجرای مدنی:** در مقابل نقصان ضمانت اجرای کیفری در حقوق بین‌الملل، ضمانت اجرای مدنی از درجه تکامل نسبتاً بالایی برخوردار است، زیرا امروزه در حقوق بین‌الملل، اصل، ضمانت اجرای مدنی است یعنی ترمیم و جبران خسارات (اقدامات ترمیمی)، نه ضمانت اجرای کیفری (اقدامات تهریمی با تزدیلی)

**ضمانت اجرای اقتصادی:** محاصره با تحریم اقتصادی کشور متخلف حقوق بین‌الملل، حقی است که برای تمامی کشورها شناخته شده است، مشروط بر این که در اعمال آنها، موازین حقوق بین‌الملل رعایت گردد.

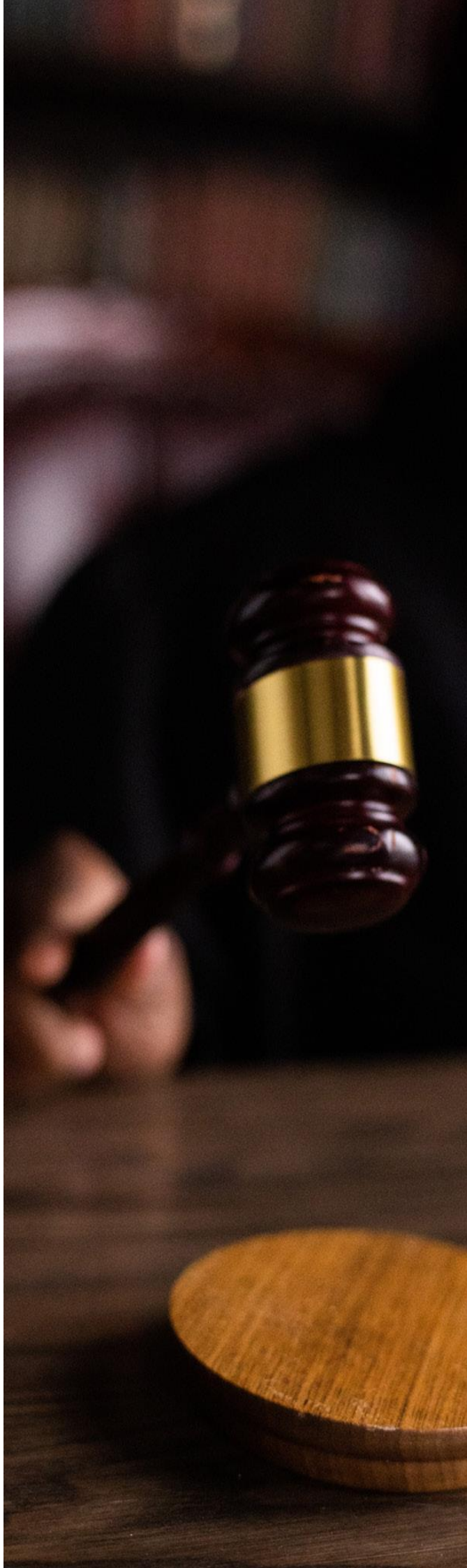
**ضمانت اجرای دیپلماتیک و یا کنسولی:** حقوق بین‌الملل برای تمامی کشورها، اعم از قربانیان نقض حقوق بین‌الملل یا غیره، این حق را شناخته تا در قبال کشور ناقض حقوق بین‌الملل، روابط دیپلماتیک و یا کنسولی خود را با آن کشور قطع کنند یا کاهش دهند، مأموران دیپلماتیک و یا کنسولی خود را از کشور متخلف احضار کنند و یا این که روانامه رئیس پست کنسولی کشور فرستنده متخلف را لغو نمایند.

**اقدامات متقابل:** یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز اجرای حقوق بین‌الملل، اقدامات متقابل کشورها در قبال کشور تخلف حقوق بین‌الملل است. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از: دفاع مشروع، اقدامات مقابله‌به‌مثل یا تلافی جویانه و معامله متقابل یا رفتار متقابل.

### **ضمانت اجرای غیرحقوقی در حقوق بین‌الملل**

ضمانت اجرای غیرحقوقی، ضمانت اجرای است که ماهیت حقوقی ندارند، اما در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده‌اند. اهم این ضمانت اجراها عبارتند از:

**ضمانت اجرای اخلاقی:** این نوع ضمانت اجرا، همان ارضای خاطر کشور قربانی نقض حقوق بین‌الملل از سوی کشور متخلف از طریق اخلاقی است. از جمله اظهار تأسف یا معذرت‌خواهی کشور متخلف در قبال کشور قربانی نقض حقوق بین‌الملل.





## منافع مشترک و متقابل کشورها

پرهیز از تنش مانند تیرگی روابط، جنگ سرد، جنگ

گرم

شماتت یا سرزنش کشور متخلف از سوی جامعه

بین المللی

### ضمانت اجرا در نظام ملل متحد

هدف ضمانت اجرا در نظام ملل متحد، تنبیه متخلف نیست؛ بلکه قطع اخلال در نظمی است که ادامه یک وضعیت ایجاد می‌کند. ضمانت اجرا در نظام ملل متحد دارای اشکال گوناگونی است که عبارتند از:

تدابیر انضباطی: شامل محرومیت موقت از حقوق و مزایای عضویت (ماده ۵ منشور ملل متحد)، اخراج از سازمان (ماده ۶ منشور ملل متحد)، تعلیق حق رأی (ماده ۱۹ منشور ملل متحد). ایراد اصولی که به این نوع ضمانت اجرا گرفته می‌شود، این است که اولاً با اعمال تدابیر مذکور، امکان تکرار تخلف از بین نمی‌رود. ثانیاً

**ضمانت اجرای سیاسی:** این نوع ضمانت اجرا می‌تواند

شامل منتشر نمودن اسناد و مدارک حاکی از نقض حقوق بین الملل به ویژه از سوی کشور قربانی نقض و نیز اعتراض رسمی کشورها در مورد تخلف از مقررات حقوق بین الملل باشد.

**افکار عمومی جهانی:** جلب توجه افکار عمومی جهانی

در برابر نقض مقررات حقوق بین الملل و تأثیر آن در عملکرد کشورها، یکی از عواملی است که می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای حقوق بین الملل به حساب آید. «بیداری و آگاهی فزاینده ملت‌ها به تاریخ، مایه ظهور وجدان همگانی بشریت و تشکیل عامل نو پدید «افکار عمومی جهانی» در روابط بین المللی شده است. جامعه بشری اکنون از برکت این وجدان، تجاوز و زورگویی را به آسانی از یاد نمی‌برد و روا نمی‌دارد که عاملان آن بی کیفر بمانند.



محروم کردن کشور متخلف از حضور در سازمان حتی به طور موقت، شاید آن کشور را در نقض مقررات حقوق بین‌الملل جری‌تر سازد. از این رو به‌ویژه اجرای ماده ۶ منشور (اخراج از سازمان) هرگز جدی گرفته نشده است. شاید دلیل آن دشواری‌های اعمال آن بوده باشد.

**تدابیر توصیه‌ای:** برخی از تصمیمات سازمان ملل متحد که واکنشی در قبال تخلف از مقررات ویژه منشور ملل متحد هستند، جنبه توصیه‌ای دارند و متضمن الزام واقعی حقوق بین‌الملل به نیستند. مصوبات مجمع عمومی عمدتاً دارای چنین جنبه‌ای هستند ( مواد ۱۰ الی ۱۵ منشور) اما این‌گونه مصوبات، چون از پشتوانه آرای تمام یا اکثر کشورهای عضو برخوردارند، در عمل قادرند از صورت «توصیه» خارج گردند و جنبه «تصمیم» به خود گیرند. در نتیجه، نیروی معنوی - و نه مادی - کشورهایی که به این نوع مصوبات رأی مثبت داده‌اند، تضمین‌کننده اجرای آن‌هاست. مسلماً اگر مصوبات مجمع عمومی در موضوعی تکرار شوند، از قدرت معنوی بیشتری برخوردار خواهند شد و در نتیجه زمینه اجرای آن‌ها به شیوه مطلوب‌تری فراهم خواهد شد. به موازات مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی نیز در مواردی حق صدور قطعنامه‌های توصیه‌ای دارند. (مواد ۳۳، ۳۶ تا ۴۱، ۶۲ و ۶۳ منشور)

**تدابیر تقبیحی:** شورای امنیت یا در مواردی مجمع عمومی، با به‌کارگیری عباراتی اخلاقی چون «تأسف می‌خورد» یا «تقبیح یا محکوم می‌کند» در قطعنامه‌های گوناگون، ضمانت اجرای خاصی را اعمال می‌کنند که میشل ویرالی استاد برجسته حقوق بین‌الملل آن را «قضاوت سیاسی» نامیده است. این تدابیر از آنجاکه عموماً محکومیتی عاری از نتایج ملموس و فاقد محتوای کیفری هستند تدابیر تقبیحی نامیده می‌شوند.

**تدابیر الزام‌آور:** سازمان ملل متحد، در مواردی در مقابله با تخلف از مقررات حقوق بین‌الملل، حق اتخاذ تدابیر الزام‌آور علیه کشور متخلف را دارد. تمامی تصمیم‌های شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد (مواد ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۸، ۴۹) و تصمیم‌های مجمع عمومی که استثنائاً طبق قطعنامه اتحاد برای صلح اتخاذ می‌شوند، واجد خصیصه الزام‌آور هستند و اعضای سازمان مکلف به قبول و اجرای آن‌ها می‌باشند. (ماده ۲۵ منشور)

### نتیجه‌گیری

این مطلب، به طور جامع به بررسی ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل پرداخته و با تأکید بر تفاوت‌های ساختاری بین نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی، دلایل پیچیدگی و تنوع ضمانت اجراها در سطح بین‌المللی را تشریح می‌کند.

### نکات کلیدی و نتایج قابل استخراج از این مطلب عبارتند از:

فقدان قوه اجرایی مرکزی در سطح بین‌المللی: به دلیل نبود یک دولت جهانی، اجرای قانون بین‌المللی به سازوکارهای پیچیده‌تری نیاز دارد.

**تنوع ضمانت اجراها:** ضمانت اجراها در حقوق بین‌الملل به دودسته کلی حقوقی و غیرحقوقی تقسیم می‌شوند. ضمانت اجرای حقوقی شامل اقدامات کیفری، مدنی، اقتصادی، دیپلماتیک و اقدامات متقابل هستند و در مقابل، ضمانت اجرای غیرحقوقی شامل عوامل اخلاقی، سیاسی، افکار عمومی جهانی و منافع مشترک کشورها است.

**نقش سازمان ملل متحد:** سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین نهاد بین‌المللی، نقش مهمی در اعمال ضمانت اجراها ایفا می‌کند. تدابیر انضباطی، توصیه‌ای، تقبیحی و

الزام آور از جمله ابزارهای سازمان ملل متحد برای مقابله با نقض قوانین بین‌المللی هستند.

اهمیت شناسایی حقوق بین‌الملل در سطح حقوق داخلی: پذیرش و اجرای قوانین بین‌المللی در قوانین داخلی کشورها، گام مهمی در تضمین اجرای این قوانین در سطح بین‌المللی است.

نقش افکار عمومی جهانی: افکار عمومی جهانی به‌عنوان یک نیروی قدرتمند، می‌تواند بر رفتار دولت‌ها و اجرای قوانین بین‌المللی تأثیرگذار باشد. در مجموع، با توجه به این مطلب به این نتیجه می‌رسیم که اگرچه ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل به اندازه حقوق داخلی قوی و قطعی نیست، اما مجموعه متنوعی از ابزارها و مکانیزم‌ها برای اجرای این قوانین وجود دارد و این مکانیزم‌ها در کنار هم به ایجاد نظم و ثبات در روابط بین‌المللی کمک می‌کنند.

### **محدودیت‌های ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل:**

ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل دارای محدودیت‌هایی است که عبارتند از:

وابستگی اجرای قوانین بین‌المللی به اراده دولت‌ها: اجرای قوانین بین‌المللی به همکاری و اراده دولت‌ها نیاز

دارد. در صورت عدم تمایل یک دولت به اجرای قانون، اعمال ضمانت اجراها با چالش مواجه می‌شود.

کمبود سازوکارهای اجرایی مؤثر: برخی از ضمانت اجراها مانند اقدامات متقابل، ممکن است به تشدید تنش‌ها منجر شوند و اجرای مؤثر قوانین را با مشکل مواجه کنند.

تأخیر در اجرای ضمانت اجراها: فرایند بررسی و اعمال ضمانت اجراها در سطح بین‌المللی معمولاً طولانی و پیچیده است. به‌طور کلی ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل یک موضوع پیچیده و چندوجهی است. اگرچه چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد، اما پیشرفت‌های قابل توجهی نیز در جهت تقویت سازوکارهای اجرای قوانین بین‌المللی حاصل شده است. با افزایش همکاری بین‌المللی و توسعه نهادهای بین‌المللی، می‌توان انتظار داشت که ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل در آینده مؤثرتر شود.

### **منبع:**

کتاب حقوق بین‌الملل عمومی / نویسنده: دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی / ناشر: انتشارات گنج دانش / نگارشگر: مهدی رستمی







## چکیده

دکتر عبدالله شمس در کتاب آیین دادرسی مدنی جلد اول، به بررسی ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی پرداخته است. دو ویژگی اصلی این قانون یعنی آمره بودن و تشریفاتی بودن، اگرچه از یکدیگر متمایز هستند، اما در پیوند تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند. آمره بودن قوانین آیین دادرسی مدنی به این معناست که این قوانین بر تمامی اصحاب دعوا و همچنین قاضی تحمیل شده و توافق برخلاف آن‌ها مجاز نیست. این ویژگی به منظور حفظ نظم عمومی و تضمین حقوق طرفین دعوا در نظر گرفته شده است. با این حال، تمامی مقررات آیین دادرسی مدنی به یک اندازه آمره نیستند و در این خصوص، مقررات به سه دسته تقسیم می‌شوند: مقررات مربوط به سازمان قضایی: این مقررات کاملاً آمره بوده و توافق برخلاف آن‌ها باطل است. مقررات مربوط به صلاحیت: مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی، آمره و مقررات مربوط به صلاحیت نسبی، معمولاً مخیره هستند. مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص: این مقررات نیز عموماً آمره هستند. عطف به ماسبق شدن قوانین آیین دادرسی مدنی نیز موضوع دیگری است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. به طور کلی، قوانین آیین دادرسی مدنی به دلیل ماهیت شکلی خود، بیشتر از قوانین ماهوی عطف به ماسبق می‌شوند. با این حال، این اصل استثنایایی نیز دارد و عطف به ماسبق شدن این قوانین باید با توجه به حقوق مکتسبه اشخاص و سایر ملاحظات حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

## ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی

آیین دادرسی مدنی با دو ویژگی آمره و تشریفاتی بودن مشخص می‌شود. این دو ویژگی اگرچه از هم متمایز اما در پیوند با یکدیگر می‌باشند. در حقیقت تشریفاتی بودن این مقررات برای حمایت اصحاب دعوا در برابر خودکامگی قاضی و به عنوان تضمین آزادی دفاع اصحاب دعوا است. بدین مفهوم از یک سو، امری یا تخریری بودن آن‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، اگرچه موضوع اجرای این مقررات در مکان یعنی شمول آن‌ها به تمامی اشخاصی که در محاکم ایران در دعوا دخالت دارند با لحاظ استثنائات روشن به نظر می‌رسد، اما کیفیت اجرای این مقررات در زمان، بهتر است مورد مطالعه قرار گیرد. به این دو موضوع در زیر پرداخته می‌شود.

## نخست - از جهت امری یا تخریری بودن آن‌ها

موضوع بحث این است که آیا قوانین آیین دادرسی مدنی از قوانین آمره و یا مخیره شمرده می‌شوند؟ طبیعی به نظر می‌رسد که آیین دادرسی مدنی دارای ویژگی آمره باشد. تعیین مرجع صالح، شیوه رسیدگی به دعوا و طرق شکایت از آرا نمی‌تواند به اختیار اصحاب دعوا باشد. ویژگی امری آیین دادرسی مدنی که از طریق دخالت نظم عمومی تفسیر می‌شود، در عین حال تمام مقررات



آیین دادرسی مدنی را در بررسی آن‌ها از این نظر نتایج نمی‌آید. در حقیقت، اگرچه دادرسی بر اصحاب دعوا و اما درعین حال نباید انکار نمود اجرای حقوق ویژگی امری آیین دخالت نظم عمومی تفسیر می‌شود،

برنمی‌گیرد و بنابراین در واحدی به دست گفته می‌شود که مقررات قاضی تحمیل می‌شود، که چون آیین دادرسی مدنی دادرسی مدنی که از طریق درعین حال تمام مقررات آیین دادرسی

مدنی را در برنمی‌گیرد و بنابراین در بررسی آن‌ها از این نظر نتایج واحدی به دست نمی‌آید. در حقیقت، اگرچه گفته می‌شود که مقررات دادرسی بر اصحاب دعوا و قاضی تحمیل می‌شود، اما درعین حال نباید انکار نمود که چون آیین دادرسی مدنی اجرای حقوق مادی موضوعه اصحاب دعوا را تأمین می‌نماید، به همان اندازه باید نوعی اراده مؤثر اصحاب دعوا، در ارتباط با مقرراتی که بر اجرای این حقوق در دادگاه حکومت می‌کند، پذیرفته شود؛ بنابراین با توجه به این امر و درعین حال با دخالت دادن نظم عمومی و مسلماً و برتری آن به اراده اصحاب دعوا بهتر است برای دسترسی به نتیجه درست‌تر ویژگی امری یا تخطی رأی بودن در دسته‌های مختلف مقررات آیین دادرسی مدنی بررسی شود.

مقررات مربوط به سازمان قضاوتی: آن دسته از مقررات آیین دادرسی که مربوط به سازمان قضاوتی می‌باشد از قوانین آمده شمرده می‌شوند. برای مثال در حال حاضر دادگاه تجدیدنظر استان باید با شرکت دو قاضی تشکیل گردیده و اقدام به رسیدگی و صدور رأی نماید؛ بنابراین در صورتی که در رسیدگی و صدور رأی بیش از یک قاضی اقدام ننموده باشد، رأی صادره قانونی نمی‌باشد؛ حتی اگر اصحاب دعوا در این خصوص اعتراضی ننموده و یا توافق قبلی نموده باشند که این مرجع با حضور تنها یک قاضی رسیدگی و رأی صادر نماید.

صلاحیت محلی، علی‌الاصول، برای آسانی دفاع خواننده است، اصحاب دعوا در توافق خلاف آن باید مخیر باشند. مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص: این مقررات اصولاً از قوانین آمره شمرده میشوند و بنابراین توافق خلاف آنها مؤثر نمی‌باشد. برای مثال مهلت تجدیدنظر نسبت به حکم دادگاه عمومی در حال حاضر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز است؛ بنابراین هر چند شخصی که حکم دادگاه علیه او صادر شده می‌تواند نسبت به حکم صادره درخواست تجدیدنظر ننماید اما در صورتی که به این امر تمایل داشته باشد، مکلف است ظرف مهلت مقرر درخواست خود را تقدیم دارد؛ بنابراین چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت قانونی تقدیم گردید، ولو طرف مقابل اعتراض ننموده و یا حتی راضی باشد، مرجع صالح به همان علت قرار رد دادخواست را صادر و اعلام می‌نماید (تبصره ۲ ماده ۳۳۹ ق.ج.ق.)

مقررات مربوط به صلاحیت: آن دسته از مقررات آیین دادرسی مدنی که مربوط به صلاحیت ذاتی مراجع می‌باشند، از قانون آمره شمرده می‌شوند؛ اما مقررات ناظر به صلاحیت نسبی دادگاه‌ها علی‌الاصول در شمار قوانین مخیره‌اند. در حقیقت چون وضع مقررات مربوط به

## دوم - از جهت عطف به ماسبق شدن یا نشدن

اثر قانون به استناد ماده ۴ قانون مدنی نسبت به آتیه است و نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع پیش‌بینی شده باشد. این اصل استثنائات دیگری نیز دارد که در دروس حقوق مدنی بررسی پرسش این است که آیا قوانین آیین دادرسی مدنی عطف به ماسبق می‌گردند یا اثر آن‌ها مانند سایر قوانین، اصولاً نسبت به آتیه است؟ مقررات آیین دادرسی ممکن است به عنوان مستثنیات ماده ۴ قانون مدنی به شمار رود. مقررات دادرسی که عمدتاً شکلی می‌باشند، شاید به نظر برسد که برخلاف مقررات ماهوی (قانون مدنی، قانون تجارت و...) باید عطف به ماسبق شوند؛ درعین حال بر این اصل، استثنایی عنوان می‌گردد و آن برخورد با حق مکتسبه اشخاص است. درعین حال اجرای این دستورالعمل عام باید با ظرافت انجام گیرد و بهتر است اعمال آن در سه دسته مقررات آیین دادرسی مدنی به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

مقررات مربوط به سازمان قضاوتی: قوانین سازمان قضاوتی عطف به ماسبق می‌گردند یا بنا به دیدگاه دیگری، به علت اثر فوری قوانین، شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند. (مانند اینکه در جریان رسیدگی به دعوی، قانونی لازم‌الاجرا شود که تعداد قضات دادگاهی را از دو نفر به سه نفر یا یک نفر تغییر دهد.)

مقررات مربوط به صلاحیت: قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شوند یا برحسب نظر فوق به علت اثر فوری، قانون شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند. (مانند این که دعوی در صلاحیت دادگاه انقلاب و در این دادگاه مطرح باشد و به موجب قانونی که در جریان رسیدگی تصویب می‌شود، در صلاحیت دادگاه عمومی قرار گیرد.)



اما قوانین مربوط به صلاحیت نسبی اصولاً عطف به ماسبق نمی‌گردند، مگر اینکه در خود این قوانین یا قانون دیگری ترتیبی غیر از این مقرر شود.

**مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص:** قوانین آیین دادرسی به معنای اخص، اصولاً اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می‌گردند مگر در مواردی که عطف به ماسبق نمودن آن‌ها به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد. برای مثال چنانچه به موجب قانون جدید قابلیت شکایت از حکمی زایل شود، این قانون عطف به ماسبق نگردیده و بنابراین شامل احکامی که در زمان لازم‌الاجرا شدن قانون قدیم صادر شده، نمی‌گردد. در حقیقت با صدور حکم، حق شکایت از حکم را محکوم علیه به دست آورده و قانون لاحق نمی‌تواند به کیفیتی اجرا شود که موجب سلب این حق گردد. روشن است که اجرای این قاعده نیز در صورتی مجاز می‌باشد که قانون‌گذار خلاف آن را پیش‌بینی ننماید. اما پرسش این است که چنانچه در زمان مطرح بودن امر در دیوان عالی کشور، یکی از مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص لازم‌الاجرا گردد که در زمان صدور رأی فرجام‌خواسته لازم‌الاجرا نبوده، این مرجع در اجرای آن چه تکلیفی دارد؟ در پاسخ باید گفت که چون دیوان عالی کشور اختلاف را مورد قضاوت قرار نمی‌دهد؛ بلکه رأی فرجام‌خواسته را با توجه به مقررات لازم‌الاجرای زمان صدور آن مورد قضاوت قرار می‌دهد، بنابراین مقررات لاحق در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد؛ اما چنانچه رأی نقض شود، دادگاه مرجوع الیه مکلف به اجرای مقررات جدید با شرایط مطالعه شده خواهد بود؛ اما قوانین آیین دادرسی مدنی مربوط به ادله اثبات دعوا از این حیث، مشمول ضوابطی است که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.

## نتیجه‌گیری

قوانین آیین دادرسی مدنی به عنوان مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی که چگونگی رسیدگی به دعاوی و اختلافات حقوقی را مشخص می‌کنند، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آن‌ها را از سایر قوانین متمایز می‌سازد. دو ویژگی مهم این قوانین، آمره بودن و تشریفاتی بودن آن‌هاست.

**آمره بودن:** بسیاری از قوانین آیین دادرسی مدنی ماهیت آمره‌ای دارند، به این معنی که این قوانین برای همه افراد الزامی هستند و توافق طرفین نمی‌تواند بر آن‌ها تأثیری بگذارد. این ویژگی برای حفظ نظم در روند دادرسی و تضمین حقوق طرفین ضروری است.

**تشریفاتی بودن:** تشریفاتی بودن این قوانین به معنای وجود تشریفات و مراحل مشخصی است که باید در جریان دادرسی رعایت شود. این تشریفات برای تضمین حقوق طرفین و جلوگیری از خودسری قاضی طراحی شده‌اند.

## نکات مهم دیگری که در این مطلب به آن‌ها اشاره

### شده است عبارتند از:

**تفاوت بین قوانین آمره و مخیره:** اگرچه بسیاری از قوانین آیین دادرسی مدنی آمره هستند، اما برخی از آن‌ها نیز ماهیت تخییری دارند و طرفین می‌توانند در مورد آن‌ها توافق کرده و برخلاف آن‌ها عمل کنند.

**اهمیت نظم عمومی:** حفظ نظم عمومی، در تفسیر و اجرای قوانین آیین دادرسی مدنی نقش مهمی دارد.

**عطف به ماسبق شدن قوانین:** قوانین آیین دادرسی مدنی معمولاً عطف به ماسبق می‌شوند؛ با این حال، این قاعده استثناهایی نیز دارد. در مجموع، قانون آیین دادرسی مدنی با هدف ایجاد یک نظام دادرسی منظم و عادلانه طراحی شده است و ویژگی‌های آمره و تشریفاتی بودن این قانون به همراه سایر ویژگی‌های آن، به این هدف کمک می‌کنند. به



زبان ساده‌تر، می‌توان گفت که قانون آیین دادرسی مدنی مثل یک دستورالعمل دقیق برای رسیدگی به پرونده‌های حقوقی است و همه افراد موظف به رعایت آن هستند تا عدالت به بهترین شکل اجرا شود.

**منبع:** کتاب آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین) جلد نخست / نویسنده: دکتر عبدالله شمس / ناشر: انتشارات دراک؛ / چاپ چهل و چهارم / نگارشگر: مهدی رستمی





## حقوق تجارت

**تاجر:** کسی که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد (ماده ۱ ق.ت)

کسبه جزء طبق ماده ششم قانون تجارت نیز تاجر محسوب می‌شوند، هر چند از داشتن دفاتر تجاری و مقررات ورشکستگی (ماده ۷۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸) معاف هستند. در آیین‌نامه شماره ۷ مجموعه رسمی ۱۳۱۳ (صفحه

۱۸۱) بر تاجر عرفی و اصناف و کسبه جزء جمعاً عنوان تجار به معنی اخص اطلاق شده و مفهوم تجار

به معنی اعم را شامل دستجات مذکور و دلالان و حق‌العمل‌کاران و واسطه‌ها از هر قبیل و

صنعتگران و صاحبان کارخانه و بانک و صرافان و متصدیان بیمه و کشتی‌سازان و

متصدیان حمل‌ونقل و مقاطعه‌کاران و آژانس‌های مسافرت و نثریات و متصدیان

فروش و متصدیان نمایشگاه‌های عمومی و مؤسسات مشاغل عمومی و غیره و

اشخاصی که جنسی را به قصد فروش بخرند ولو تصرفی در آن نکنند، دانسته است.

**تصفیه:** تفریغ حساب و تعیین بدهی و مطالبات که در نتیجه آن، رقم قطعی مبلغ

اعلان گردد؛ مانند تصفیه دیون و تصفیه هزینه‌های عمومی و تصفیه ترکه.

## دارائی:

الف) به مجموع اموال و مطالبات و دیون گفته می‌شود.

ب) به مالیه و وزارت دارایی و ادارات دارایی گفته می‌شود.

**قرارداد ارفاقی:** قراردادی است که بین تاجر ورشکسته و تمام یا اکثریت بستانکاران

او بسته می‌شود مشروط بر اینکه ورشکستگی به تقلب و تقصیر نبوده و حکم

ورشکستگی صادر شده و پس از رسیدگی به مطالبات و قبل از شروع به فروش دارایی و

تصفیه منعقد می‌شود. طرف تاجر مذکور غمض عین از مقداری از طلب خود کرده و بقیه را با

ترتیب معینی از او وصول می‌کند. اما آن عده از دیان که در قرارداد شرکت نداشته‌اند طلب خود را طبق

آنچه که از دارایی موجود تاجر به بستانکاران می‌رسد وصول خواهند کرد و حق مطالبه زائد بر آن را در آئیه ندارند مگر پس از

تأدیه تمام طلب کسانی که طرف قرارداد ارفاقی با تاجر بوده‌اند. قرارداد ارفاقی نوعی از قرارداد جمعی است (ماده ۴۸۹ به بعد

قانون تجارت)

**ورشکسته:** کسی که دارای صفت ورشکستگی است. یعنی دیون او از مطالباتش افزون است و اعتباری هم ندارد که از آن

محل دیون خود را بپردازد.



## حقوق مدنی

### اهلیت:

الف) صفت کسی که دارای جنون، سفه، صغر، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق (کلاً یا بعضاً) نباشد. این اصطلاح در مقابل حجر یا عدم اهلیت به کار می‌رود.

ب) صلاحیت شخص برای داراشدن حق و تحمل تکلیف و به‌کار بردن حقوقی که به‌موجب قانون دارا شده است.

**سفیه:** یا غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد و منظور از عقل متعارف عقول است.

**صغیر:** کسی که به سن بلوغ نرسیده باشد. همچنین کسی که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده است.

**مجنون:** کسی که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است. احراز جنون با دادگاه است ماده ۵۷-۵۸ قانون امور حسبی و ماده ۱۲۱۰ ق.م.

**ولی:** کسی که به‌حکم قانون اختیار دیگری یا دیگران را در قسمتی از امور دارا می‌باشد؛ خواه در امور خصوصی (مانند ولایت پدر و جد نسبت به صغیر) و خواه در امور عمومی مانند اختیار هر یک از کارمندان دولت در حدود شغل خود. به همین جهت هر یک از کارمندان دولت را در فقه والی و جمع آن‌ها را ولایت می‌گفتند.

## حقوق جنایی

**تعزیر:** در قانون مجازات اسلامی مجازاتی است با مشخصات ذیل:

الف) حداکثر و حداقل دارد.

ب) حداکثر آن در قانون معین است و باید به‌اندازه «حد» نباشد.

ج) تعیین حداقل به اختیار قاضی است. مقنن اسلام پاره‌ای از تعزیرات را به طور قاطع معین کرده است. از این جهت فرق با (حد) ندارد فقط در چنین موردی به‌حسب نوع جرم معلوم می‌شود که یک مجازاتی حد است یا تعزیر زیرا جرائم مستلزم (حد) محدود و مشخص می‌باشند. به همین جهت در تعریف تعزیر گفته‌اند عبارت است از مجازات جرمی که قانون آن جرم را مستوجب حد ندانسته باشد.

د) تعزیرات در قانون جزای ما ممکن است برای جنایت یا جناحه یا خلاف به‌حسب حقوق تطبیقی نه تحقیقی مقرر شده باشند.

**جرم:** عملی است که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده است.

### حد:

الف) در لغت به معنی منع و بند است و در اصطلاح مجازات مصرح در قانون جزا است. این مجازات بدنی بوده و حداقل و حداکثر ندارد. در همین اصطلاح است که گفته‌اند: به‌صرف شک در وقوع جرم، یا تحقق عناصر آن، اصل براءت جاری می‌شود.

ب) در اصطلاح دیگر حد به معنی مطلق مجازات است؛ خواه مصرح در قانون جزا باشد یا به اختیار قاضی بوده به معنی قانون الزامی امرونهی است. چنانچه در قرآن نیز آمده است که مقصود از حدود، امرونهی و قانونی است.



ج) گاهی حد در معنی عامی استعمال می‌شود که شامل حد به معنی اخص (معنی اول) و تعزیر و قصاص و دیات می‌باشد.

**دیه:** کیفری است نقدی که در هر یک از سه مورد ذیل از مجرم به نفع مجنی علیه با قائم مقام قانونی او گرفته شود:

(در صورت تراضی مجنی علیه) یا قائم مقام قانونی او و مجرم که به جای قصاص دیه داده شود.

در صورتی که رعایت شباهت مجازات با جرم مقدور نباشد. چنان که اگر بر اثر جرم استخوان جابه‌جا شود، قصاص مقدور نیست و این جرم را منقله نامند. در این صورت سه بیستم دیه مجنی علیه را از مجرم می‌گیرند. در موردی که قانون حکم به دیه کند؛ مانند قتل فرزند به دست پدر.

**قصاص:** کیفری است که به حکم قانون و به وسیله مجنی علیه یا اولیا قانونی او علیه مجرم به کار می‌رود و باید در حدودی که قانون معین می‌کند نظیر جرمی باشد که از طرف مجرم صورت گرفته است، پس باید جرم و مجازات شبیه هم باشند. موارد قصاص عبارت است از قتل عمد و جنایت عمدی بر اطراف و جنایت عمدی بر منافع. در موارد فوق اگر جرم عمدی نباشد دیه باید داده شود.

**عنصر مادی جرم:** فعل به معنی اعم از تصمیم و اقدام و ترک شخص مجرم که موضوع کیفر در قانون جزا واقع شده باشد.

**عنصر قانونی جرم:** یعنی شناختن یک عمل معین به عنوان یکی از جرائم در قانون جزا.

**عنصر معنوی جرم:** قصد فاعل جرم در امور خلاف و عمد و در جرائم عمدی و خطا در جرائم خطائی است. بعضی به جای اصطلاح بالا، عنصر اخلاق جرم به کار می‌برند که نارسا است و استعمال کلمه اخلاق را زبان پارسی در چنین موردی تحمل نمی‌کند.

**مجازات:** مشقتی که مقنن تحمیل به مجرم می‌کند.

## حقوق بین الملل

**الزام:** در لغت به معنی اجبار است و معنی اصطلاحی نداشته؛ ولی مقنن قانون مدنی ایران اشتباهاً آن را به جای التزام و تعهد در ضمن اقتباس از قانون مدنی فرانسه به کار برده است؛ بدون اینکه توجه کند که مدت‌ها پیش از او علمای حقوق به جای اصطلاح خارجی آن، کلمه تعهد و التزام را به کار برده‌اند.

**سازمان ملل متحد:** مؤسسه‌ای است جهانی که برای اجرا و تعقیب هدف منشور

آتلانتیک برای نگرهبانی صلح و امنیت جهانی که در طرحی در سال

۱۹۴۴ میلادی پیش‌بینی شده، تشکیل گردیده است. امید که اصول انسانی

در آن مجال تجلی یابد. این سازمان جانشین جامعه ملل سابق است و هدف

آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه روابط دوستی بین کشورها و

تعاون برای حل امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و انسانی است.

**دولت:** جمعیتی از افراد که در خاک معینی زندگی می‌کنند و تابع یک قدرت

عمومی از خود می‌باشند. دولت دارای شخصیت حقوقی در حقوق عمومی





است. در زبان فارسی دولت به معنی هیئت وزرا هم به کار می‌رود و در این صورت غالباً کلمه هیئت به آن اضافه می‌شود و هیئت دولت می‌گویند.

به معنی مجموعه عمال دولت هم در استعمالات دیده شده است.

**ضمانت اجرا:** معادل کلمه لاتین آن در لغت به معنی برقرارکردن قانون و اقامه قانون است. در مجامع علمی معاصر عرب از آن ترجمه به (جزا) شده است ولی ترجمه مناسبی به نظر نمی‌رسد.

**قوه اجرایی:** هر سندی که قانون آن را لازم‌الاجرا شناخته باشد دارای قدرت و قوه اجرایی است؛ مانند حکم دادگاه و اسناد رسمی و چک. قدرت اجرائی یا ناشی از حکم دادگاه است یا بلاواسطه ناشی از اذن قانون است.

## آیین دادرسی مدنی

### سازمان قضایی:

الف) در معنی اخص شامل تشکیلات دادگاه‌های دادگستری است.

ب) در معنی اعم شامل معنی بالا و هر قسمت قضائی دیگر مانند دیوان دادرسی دارای می‌باشد.

**صلاحیت دادگاه:** (دادرسی) صلاحیت یک دادگاه نسبت به اموری که می‌تواند به آن‌ها رسیدگی کند و در قلمرویی که می‌تواند اقدام به رسیدگی نماید.

**عطف به ماسبق:** یعنی حکومت قانون نسبت به وقایع قبل از تاریخ وضع و نشر آن و چون این کار خلاف مصالح عموم است اصل بر عدم جواز عطف قانون به گذشته است مگر در موارد استثنائی.





موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش  
Faran Mehre Danesh e-learning Higher Edu. Inst  
انجمن علمی دانشجویی حقوق



## در سرانجام سخن

مراتب امتنان و قدردانی را از اساتید بزرگوار و فرهیخته: جناب آقای دکتر خسرو اسکندری و همچنین جناب آقای دکتر حسین یار احمدی به جا آورده که با تجربه و دانش ارزشمند و گرانبهای خود روشنایی بخش مسیر تحریر و نگارش این فصلنامه شدند.